

عنوان مقاله:

خوانش بینامتنی رمان « فرزند نوح » اثر اریک امانوئل اشمیت بر مبنای نظریه گفتگومندی و چندصدایی میخائیل باختین

محل انتشار:

دوفصلنامه پژوهش های زبان و ترجمه فرانسه، دوره 6، شماره 1 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

نویسندگان:

وحید نژادمحمد - دانشگاه تبریز

فاطمه خم ابرو - دانشگاه تبریز

خلاصه مقاله:

بینامتنیت به عنوان یکی از رویکردهای شناخته شده تحلیل ادبیات، امروزه مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است که پیدایش خود را مدیون نظریه گفتگومندی و چندصدایی میخائیل باختین است. این نگرش نوین در کاوش روابط پیچیده بین متون، گفتمان اجتماعی و همه حوزه های ادبیات نقش مهمی را ایفا می کند. در این رابطه، اصطلاحات مربوط به بینامتنیت بر اساس موقعیت های نظری و عملی بی نهایت متفاوت است که می توان به نظریه گفتگومندی باختینی، تئوری زیبایی شناسی دریافت ادبی هانس روبرت یائوس یا اومبرتو اکو و اشکال کارناوالی همچون نقیضه و تقلید هنری اشاره کرد. اریک امانوئل اشمیت، فیلسوف، رمان نویس و نمایش نامه نویس معاصر فرانسوی است که نسبت به انسان و جهان دیدی خوش بینانه و مثبت داشته و به مدد آمیختگی عناصر فلسفی و اسطوره ای و نمادین انسان را به سمت جستجوی بهشتی گمشده سوق می دهد. با تکیه بر دیدگاه باختین، در این داستان آنچه قابل ذکر است اهمیت رابطه گفتگومندی میان تمام عناصر ساختاری است که در نهایت این منطق مکالمه به عنوان پدیده ای فراتر از مکالمه رسمی درک می شود. در این مقاله، رمان «فرزند نوح» براساس نظریه بینامتنی باختین مورد تحلیل قرار گرفته است و نویسنده از خلال تنوع گفتمان ها و زبان ها به بازآفرینی روایت مقدس طوفان نوح پرداخته و خواننده را به تعمق در ارزش های والای انسانی فرا می خواند. بدین ترتیب، ما در پی پاسخ به این پرسش هستیم که در این رمان، گفتمان از چه مولفه های زبانی و محتوایی برخوردار بوده و چه جهان معنایی را برای ما آشکار می سازد.

کلمات کلیدی:

اریک امانوئل اشمیت، باختین، گفتگومندی، چندصدایی، فرزند نوح، بینامتنیت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1919435>

